

واعقادات بحسب اعتقادات جزویه و وجودیه و استعدادات جزویه و وجودیه  
استعدادات کلیه غلبیه که صفت اعیان فایده ارباب تجلیات است و اعیان فایده  
مع استعدادات فایض از قبض اقدس که عبارت است از تجلی ذات بصورت اعیان و استعدادات  
و دوران تفاوت بسیار است چه بعضی از اعیان صورت اسما جزویه اند علی اختلاف  
در جواهر و بعضی صور اسما کلیه علی تفاوت طبقاتها و بعضی صورت اسمی که جامع است  
جمع جرمیات و کلیات را بسجانه و تعالی را در تجلی است یکی تجلی ذاتی یعنی  
که قبض اعیان فایده است مع استعدادات الکیته و لا مثک سعة و اعاطة استعداد تجلی  
مقدار سعت و اعاطة آنست و دیگر تجلی وجودی شهادی و آن جامع استعداد تجلی است  
و بحسب سعت و اعاطة آن در چون اعتقادات منزه و استعدادات متفاوت در چون  
حق سبحانه و تعالی تجلی کند هر که او را نغیر کرده باشد بصورت اسمی در سبب خصوص الکیته  
در او در غیر آن صورت و هر گاه اطلاق کرده باشد او را از تفهید صورتی در دور صورتی  
چون کمالان و عارفان در هیچ صورتی از صور تجلیات انکار او نکنند بلکه حق اعظم او  
بجای آورد و عبادتیکه تعاقب مقام اوست بنفیس رساند چه تجلیات حق وجود از او  
نهایتی نیست که کامل عارف و حق شناس واقف بر آن و قوف کند <sup>تعمیر و تقصیر</sup>

او تقیاً فلا ینبک الا از داد حیا که در بر او قبا و کبر سر است  
یا قبا پیشش پس نسیم بدو تو کبر از داد حیا  
در هر صورت که بنشیند است الا قوی هذا توضیح و نقی بالمستیق  
آیا نبی نبی این توضیح و توبیت مر از اسان

خود الحق فی الصور لکن کلیمه ای کماله فان اهلان هو یوم الذی لا یقسم  
سزل حق در حور که بر سببیک حق سر روز ای عس آن پس بر سببیک آن آن روز ذات  
ابد اهو فی شان و ما اعظم شان و ذی شان الذی هذا اشته فی کل  
ابد آن حق در یک شان است چیزی بزرگتر شان آن ذی شان است که این شان اوست در سر  
ان کذا لکن ای کما یقبل الحق سبحانه فی شیهة کذا لکن بالقلب یقبل حسب  
آن بحسب آن ای چنانکه تعقیب حق سبحانه در شیون خود بحسب آن و قلب مشفق است  
سجانه فی الخواطر الصفا و الاحوال و لذالک ای و یقبل القلب فی الخواطر  
سجانه در خواطر و صفات و احوال و برای آن ای تعقیب قلب و خواطر  
فالا سبحانه ان فی ذلک ای القرآن لکن لکن کان له قلب یقبل فی الخواطر  
زود سبحانه که بر سببیک در آن ای در قرآن علیه بزرگتر کسی را که در قرآن که نغیر  
الصور و الصفات و لم یقل له عقل لکن العقل بنفیس بالاعتقادات سبحانه  
صور و صفات و نه فرمود مر او را عقل است بر سببیک عقل بنفیس بالاعتقادات سبحانه  
فحصر الامر الاله الذی لا یخسر فیما یدرکه بخلاف القلب فانه لکن له  
بهر سببیک در الهی که منضم بنفیس در آن الکیته ادراک میکند آن امر را بخلاف قلب پس بر سببیک او  
مخلاف تجلیات مختلفه مر الالهیه و الرجوبه و قلبه فی صور هایتیکه  
عقل بنفیس منخفته را از الهیت و ربوبیت و برای تعقیب در صورتیات با و میدارد  
ما نسبه مما کان یخجله قبل ظهوره فی هذه الدنيا العنصره فی حیل  
الیکه فامرین کرده است از او از یکیکه بود یا بنده از او پس از ظهور خود در دنیا عنصره  
هنا ما اضاعه کما قال علیه السلام لکن ضال المومن فاخبر علم ان  
اینکه آنرا که ضایع کرده است از او از یکیکه زود و علیه هم حکمتی که گفته مومن است پس علم که بر سببیک